هو الله - ترانی یا إلهی مکبا بوجهی علی التراب صعقا…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۶۴

## **هو الله**

ترانی یا إلهی مکبا بوجهی علی التراب صعقا من تجلی الانوار مندهشا من مشاهدة الآثار مغمی علیه من اشتداد الفتن المتراکمة من کل الاشطار متذللا منکسرا الی ملکوت الأسرار متأجج الضلوع و الاحشاء من النار الموقدة فی بقعة الأنوار

مع ذلک انسانی نفسی و روحی و شؤونی بما شغفونی حبا للأبرار و امتلأ قلبی و سری فی عروقی حب الأخیار سریان الروح فی العروق و الشریان و أناجیک فی جنح اللیالی و خلال النهار و بحبوحة الغدو و الآصال و ارجوک ان تمدهم بامداداتک الفائقة و عنایتک السابقة و موهبتک اللاحقة و تنبت الأباهر و القوادم فی أجنحتهم النسیله حتی یطیروا الی أوج عظمتک السامیة و فضاء عزتک العالیة و ینشرحوا بالطافک الباقیة و یستنیروا بأنوارک الساطعة رب أنلهم کأسا کان مزاجها کافورا و اجعل لهم من عین التسنیم نصیبا موفورا و اخرج لهم کتابا یلقوه منشورا و اعقد لهم لواء منصورا و ابن لهم عند عرشک العظیم بیتا معمورا و اجعل کل واحد منهم سیدا و حصورا حتی ینشروا آثارک فی الآفاق و یظهروا أنوارک فی أم العراق و یعلوا کلمتک الی ملکوت الاشراق و تتوقد نار محبتک فی قلوب اهل الاشتیاق و ینحدر الدموع علی الخدود کالسیول من الآماق رب انعم صباحهم و أنر مصباحهم و املأ اقداحهم و رنح أرواحهم انک أنت المقتدر العزیز الوهاب و انک أنت الکریم اللطیف البر الرؤف المنان

ای یاران عبدالبهاء قوه اشراق از نیر آفاق شرق و غرب را بحرکت آورده عالم آفرینش آرایش یافته و خلق جدید گردیده ندای سبحان ربی الأبهی از خاور بلند شده و آهنک یا بهاء الأبهی از باختر گوش زد هر هوشمند گشته. السن جمیع ملل بذکر اسم اعظم ناطق و بظهور جمال قدم مخبر قومی در نهایت سرور مستبشر و حزبی در موارد آثار متحیر و جمعی غافل و منکر در هر انجمن ذکر اسم اعظم متداول و این بشارات از ملکوت آیات در عروق و شریان امکان متواصل.

پس یاران الهی و احبای حقیقی و دوستان معنوی باید شب و روز گلبانگ یا بشری و یا طوبی باوج اثیر رسانند زیرا آن نفوس مستشرق از مجلی طور گشتند و لمعه نور مشاهده نمودند و نصیب موفور بردند و بشکرانه این الطاف باید دمبدم آهنگ جدید بلند کنند و مانند نهنگ دریای محبت الله بجوش و خروش آیند تا بقوه کلمة الله المطاعه خطه غبرا جنت ابهی گردد و روی زمین بهشت برین شود و طاوس علیین شهپر تقدیس گشاید و در کمال تزیین جلوه فرماید ظهور این موهبت بخلوص یارانست و انجذاب دوستان و فرح و مسرت وجدان.

چندیست که نغمات ورقا از آن ایکه بقا بسایر بلدان نرسیده بلبل گلشن توحید را گلبانگ ربانی لازم و ستاره فجر تقدیس را سطوع نور آسمانی واجب شمع افروخته روشن است و پروانه سوخته شاهد هر انجمن یاران را جذب و وله لازم و دوستان را وجد و طرب واجب سمع عبدالبها دائما مترصد تا از چه اقلیمی الحان بدیع رسد و از چه کشوری نغمات جانپرور مسموع آید اگر سرور این دل و جان را خواهید چنان نغمه و آوازی بلند کنید که اهل ملأ اعلی باهتزاز آیند و سکان ملکوت ابهی همدم و همراز گردند و علیکم التحیة و الثناء (ع ع)

